

صفحه ۷

دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۴

۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ – شماره ۲۳۹۴۸



در جنگ تحمیلی ۸ ساله، ۳ خانوادهٔ شهید، یک خانوادهٔ ۷ شهید، یک خانوادهٔ ۸ شهید و ۲ خانوادهٔ ۹ شهید داشتیم. خانم ستاره سردشت و خانم حلیمه ربیعی اصل، دو مادری هستند که ۹ شهید در دفاع مقدس تقدیم کردند و بیشترین شهید از یک خانواده، ۹ نفر بود. اما در جنگ ۱۲ روزه، این لکه سیاه و ننگین برای رژیم غاصب و کودک‌کش صهیونیستی ثبت شد که این آمار را جابه‌جا کرد و ۱۲ نفر از یک خانواده را به شهادت رسانید؛ آن هم از یک خانوادهٔ سادات و از خانواده و اقوام نزدیک یک دانشمند نخبهٔ هسته‌ای.

نگاهی می‌اندازیم به زندگینامه و خدمات ارزشمند و درخشان و انقلابی دکتر سید محمدرضا صدیقی صابر که خورشید تابان و قطبِ این خانواده شهید ۱۲ نفره هستند و همچنین ابعاد شهادت خانواده صدیقی صابر را بررسی می‌کنیم.

نخبهٔ مؤمن انقلابی

شهید سید محمدرضا صدیقی صابر اهل روستای مذهبی و پرصفای نیاکو بود که تقریباً در سه کیلومتری شهر آستانه اشرفیه قرار دارد. پدر و مادر گرامی‌اش فقط خواندن و نوشتن بلد بودند؛ اما ایمان و اخلاق‌شان عمیق بود و زندگی ساده، بی‌الایش و پر از تقوا داشتند. مادر در سال ۱۳۷۶ و پدر در سال ۱۴۰۰ آسمانی شد.

سید محمدرضا از کودکی در تمامی مراسم‌های مذهبی مثل محرم، صفر و ماه رمضان حضور فعال داشت و در کلاس‌های قرآن هم شرکت می‌کرد. از ریز بار، بیشتر روحیات و اخلاقیات مذهبی جوانان آستانه اشرفیه به دلیل وجود آستان مقدس سلطان سید جلال‌الدین اشرف در آستانه اشرفیه است و مذهبی بودن آستانه اشرفیه در اخلاق و رفتارشان تأثیر فراوان می‌گذارد. سید محمدرضا نیز در چنین شرایطی رشد کرد.

شهید صدیقی، فردی مهربان، بااخلاق، متدین و اعتقادی بود.

ادای احترام به ۱۲ شهید خانواده صدیقی صابر

کامران پورعباس

۱۲ آزار عاشق

بسیار درس‌خوان بود و لیسانس را در دانشگاه اصفهان و فوق‌لیسانس را در دانشگاه تربیت مدرس گرفت. در هر مقطعی جزو دو نفر برتر بود؛ حتی در مقطع دکتری دانشگاه صنعتی امیرکبیر نیز جزو ظرفیت محدود نخبه‌ها بود.

این شهید گرانقدر پژوهشگری نمونه و الگوی تمام عیاری برای دانشجویانش بود. وی یک مؤمن واقعی و یک متعهد و متخصص در حوزه کارِ‌اش بود که تخصص و مدیریتش ریزانزد عام و خاص بود. در دانشگاه‌هایی که تدریس می‌کرد، منش

استادی منحصر‌به‌فردی داشت.

شهید صدیقی صابر یک نخبهٔ مؤمن انقلابی و از دانشمندان و چهره‌های پژوهشی برجسته کشور است.

سید محمدرضا معتقد بود: کار باید فقط و فقط برای رضای خدا باشد و می‌گفت: مؤمن شیعه باید هوشیار و بیدار حرکت کند و بصیرتش هوشمندانه باشد.

یک جمله معروف داشت و همواره به دیگران گوشزد می‌کرد که باید به گونه‌ای رفتار و زندگی کنیم که هنگام آخرت شرمندۀ باشیم.

نماز و قرائت قرآن را با آرامش کامل انجام می‌داد و در همه چیز دقت داشت. در فراقش و واجبات و مستحبات دینی به دقت عمل می‌کرد.

همیشه می‌گفت: راه ما، از راه امام حسین(ع) جدا نیست.

از نظر مذهبی فعال بود و در هیئت سینه‌زنی حضور پررنگ داشت. رعایت حق‌الناس و بیت‌المال برایش خط قرمز بود.

انسانی بسیار خاکی و فروتنی بود. بسیار افتاده و مرده‌ی بود و کسی نمی‌دانست که این شهید بزرگوار پژوهشگر و استاد دانشگاه است.

سازده‌یست بود و با همان سمدن مدل ۸۸ تا آخرین روز زندگی کرد و آن را تغییر نداد.

زیست ساده و توأم با فروتنی بسیار، از شهید دانشمند صدیقی صابر، فردی ساخته بود که حتی همسایگان و نزدیک‌ترین بستگانش تا پس از شهادت نمی‌دانستند که دارای چه جایگاه حساس و مهمی در کشور است.

اهل کارهای خیر نبود، آن هم از نوع گمنامانه‌اش. دوستان و حتی بستگانش هم از اقدامات خیرخواهانه‌اش بی‌خبر بودند و هنگامی که شهید شد، تازه متوجه شدند که چند فرزند را تحت پوشش قرار داده است و هر روز که از شهادتش بی‌گردد، بیشتر با ابعاد شخصیتی و خصوصیات نیکویش آشنا می‌شوند.

در عین تخصص و تسلط‌اش به کار، ورزشکار هم بود و در رشته‌های جودو و تکواندو فعالیت می‌کرد.

دشمن‌شناسی داشت و باور داشت که صهیونیسم همیشه در کمن ملت ایران است. همیشه لبخند خاصی داشت و این لبخند محبت‌آمیز در اوج عصیانیت هم همراهش بود. نوع بیان و رفتارش به‌گونه‌ای بود که آرامش را به دیگران منتقل می‌کرد. نگاه، صدا و بیانش آرام‌بخش بود.

همیشه می‌گفت باید برنام‌ریزی بلندمدت داشت و تغییر افراد به تنهایی جوابگو نیست.

بعد از حملهٔ تهران، خانواده دکتر صدیقی صابر به منزل پدر خانمش در آستانه اشرفیه رفتند که در بامداد ۳ تیر ۱۴۰۴، اصابت سه پرتابه باعث ویرانی کامل این منزل و شهادت ۱۵ نفر شد. شهید در همان روزهای نخست شناسایی شدند و دو شهید بعدها، چون تعداد شهدای آستانه اشرفیه در جنگ ۱۲ روزه، ۱۷ نفر اعلام گردیده است. ۳۰ نفر هم زخمی شدند. به دلیل شدت انفجار، اجساد تکه تکه شده بودند و یکی از دانشجویناش گفته است که برای مشکل استخراج مس، دکتر صدیقی با روشی نوین و کامل راهنمایی کرد و من مدیون ایشان هستم. پیشنهادهای زیادی از شرکت‌های خوروسازی و سایر صنایع داشت اما همیشه می‌گفت علمی که یاد گرفته برای جامعه خودش است.

نماد ایثار و فداکاری خاموش و بی‌منت

برای دکتر صدیقی، خدمت نه شغل، بلکه یک تکلیف الهی بود. دوستاش همیشه وی را مهربان و با عزت‌نفس می‌دیدند.

در ۳۰ سال گذشته، در پروژه‌های مهم کشور حضور داشت اما هیچ‌گاه ناشی به ثبت نرسید. مقالات علمی و امنیتی داشت.

فعالیت‌های علمی و پژوهشی‌اش طی بیش از سه دهه در پروژه‌های دفاعی و فناوری‌های هسته‌ای کشور، جایگاه وی را به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه علمی و امنیتی ایران تثبیت کرد. اگرچه نام و چهره‌اش کمتر بر سر زبان‌ها بود.

شهید صدیقی، همانند شهیدان فخری‌زاده، شهرداری و رضایی‌زاد، از جمله نخبگان متعددی بود که در مسیر توسعه دانش بومی در کشور قدم برداشت.

خدمت به مردم و کشور، تکلیفی بود که شهید صدیقی با جان و دل پذیرفت و راهش را تا پایان، بی‌اذا و باایمان ادامه داد. وی نمونه‌ای از انسان‌های مخلص است که امروز بیش از هر زمان دیگری، جامعه ما به الگو گرفتن از آنها نیاز دارد. شهید دکتر سید محمدرضا صدیقی صابر، نه فقط دانشمند برجسته‌ای بود، بلکه نماد ایثار و فداکاری خاموش و بی‌منت برای میهن بود که خوشن ثمره مقاومت و عزت ایران اسلامی است. یاد و نامش همواره در حافظه ملت ایران زنده خواهد ماند و چراغ راه آیندگان خواهد بود.

حمله دهم‌شانه رژیم صهیونیستی به آستانه اشرفیه
سحرگاه جمعه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، در یک حمله تروریستی سازمان‌یافته از سوی رژیم صهیونیستی به منزل مسکونی دکتر صدیقی صابر در تهران، پسر ۱۷ساله‌اش، سید حمیدرضا، به شهادت رسید. همه اعضای خانواده در هنگام این‌س حمله هوایی در منزل بودند اما فقط یک پسرشان به شهادت رسید.

روز روز پس از حمله موشکی رژیم صهیونیستی به منزل تهران، خانم فاطمه صابر مادر سید حمیدرضا با صداپی آرام و دلی آکنده از ایمان و اوا خدا به من امانت داده بود، خودش هم گرفت. من را می‌بخش به رضای خدایم.

پیکر شهید سید حمیدرضا صدیقی صابر، پیش از پایان جنگ ۱۲ روزه، در آستانه اشرفیه تشییع و در گلزار شهدای آستانه اشرفیه به خاک سپرده شد.

محمدرضا صدیقی صابر و تنها بازمانده خانواده صابر است که به صورت مداوم روشنگری کرده و در محل حادثه تروریستی در آستانه اشرفیه و برپانی کامل این منزل و شهادت ۱۵ نفر شد. شهید در همان روزهای نخست شناسایی شدند و دو شهید بعدها، چون تعداد شهدای آستانه اشرفیه در جنگ ۱۲ روزه، ۱۷ نفر اعلام گردیده است. ۳۰ نفر هم زخمی شدند. به دلیل شدت انفجار، اجساد تکه تکه شده بودند و یکی از دانشجویناش گفته است که برای مشکل استخراج مس، دکتر صدیقی با روشی نوین و کامل راهنمایی کرد و من مدیون ایشان هستم. پیشنهادهای زیادی از شرکت‌های خوروسازی و سایر صنایع داشت اما همیشه می‌گفت علمی که یاد گرفته برای جامعه خودش است.

برادر شهید صدیقی صابر در منزل پدر خانمش در آستانه اشرفیه رفتند که در بامداد ۳ تیر ۱۴۰۴، اصابت سه پرتابه باعث ویرانی کامل این منزل و شهادت ۱۵ نفر شد.

شهید در همان روزهای نخست شناسایی شدند و دو شهید بعدها، چون تعداد شهدای آستانه اشرفیه در جنگ ۱۲ روزه، ۱۷ نفر اعلام گردیده است. ۳۰ نفر هم زخمی شدند. به دلیل شدت انفجار، اجساد تکه تکه شده بودند و یکی از دانشجویناش گفته است که برای مشکل استخراج مس، دکتر صدیقی با روشی نوین و کامل راهنمایی کرد و من مدیون ایشان هستم. پیشنهادهای زیادی از شرکت‌های خوروسازی و سایر صنایع داشت اما همیشه می‌گفت علمی که یاد گرفته برای جامعه خودش است.

یکی از دانشجویناش گفته است که برای مشکل استخراج مس، دکتر صدیقی با روشی نوین و کامل راهنمایی کرد و من مدیون ایشان هستم. پیشنهادهای زیادی از شرکت‌های خوروسازی و سایر صنایع داشت اما همیشه می‌گفت علمی که یاد گرفته برای جامعه خودش است.

۱. شهید سیده محیا صدیقی صابر (متولد ۱۳۹۶، هشت‌ساله)
۲. شهید سیده فاطمه صدیقی صابر (متولد ۱۳۸۵، نوزده ساله)
۳. شهید زهرا صابر (متولد ۱۳۵۹، چهل و پنج ساله)
۴. شهید موسی صابر
۵. شهید سلطنت حسین‌پور
۶. شهید یاس صابر
۷. شهید حامد صابر
۸. شهید میلان صابر(اسکیت‌باز شش‌ساله استان گیلان)

تنها بازمانده خانواده شهید صدیقی صابر با اشاره به ابعاد تأسفبار جنایت اسرائیل در حمله موشکی به چندین منزل مسکونی در آستانه‌اشرفیه، این جنایت شنیع را نمونه بارز چهره واقعی ضدبشری رژیم غاصب صهیونیستی برشمرد و اظهار کرد: در حال حاضر این صحنه‌ای که شما مشاهده می‌کنید، صحنه‌ای از جنایت رژیم صهیونیستی و گروه تروریستی غاصب است. این‌جا خانه‌ای بود که متعلق به خانواده شهید صدیقی و خانواده صابر بود. خانه‌هایی که در کنار ما بودند، با خاک یکسان شدند و بسیاری از همسایگان، زنان و کودکان، زیر آوار جان دادند. این کودکان بی‌گناه بودند، هیچ ادعائی نداشتند و برای جنگ ساخته نشده بودند. اما شما کودک‌کش هستید.

برادر شهید صدیقی صابر با اشاره به پیشرفت علمی ایران در بخش‌های مختلف، اضافه کرد: دشمن تصور می‌کند با حذف فیزیکی نخبگان و دانشمندان می‌تواند روند پیشرفت علمی ایران را متوقف کند، اما این خیال خامی بیش نیست. دانش را ایران بومی شده و در دل نسل جدید ریشه دوانده است.

صدیقی همچنین با تأکید بر نقش جوانان و دانشجوین در آینده علمی کشور تصریح کرد: من امید دارم که دانشجوین دکتر صدیقی، فخری‌زاده، شهرداری و دیگر شهدای علمی، پرچم علم و تخصص را در کشور بالا نگه دارند. آمریکا و اسرائیل بدانند که این دانش، گسترده‌تر خواهد شد و نه‌تنها متوقف نمی‌شود، بلکه ریشه‌دارتر خواهد گشت.

وی در ادامه با اشاره به پایبندی ملت ایران به آرمان‌های انقلاب اسلامی افزود: ملت ایران هرگز صحنه را خالی نخواهند کرد. مردم با هر جنایتی که از سوی دشمنان رخ دهد، بیدارتو، هوشیارتر و مقاوم‌تر خواهند شد.امروز بیش از هر زمان دیگری وحدت و انسجام ملی در کشور شکل گرفته و این مسیر، به رهبری مقام معظم رهبری، با قدرت ادامه خواهد یافت.

برادر شهید دانشمند هسته‌ای با بیان اینکه ملت ایران همواره پشتیبان ولایت‌فقیه بوده‌اند و خواهند بود، گفت: این‌گونه حملات، نه‌تنها مردم را از مسیر انقلاب جدا نمی‌کند، بلکه انگیزه و هماهنگی آنان را افزایش می‌دهد. شهدا زنده‌اند و راهشان همچنان ادامه دارد.



تنها بازمانده خانواده شهید صدیقی صابر می‌گوید: شهادت مردم، کودکان و زنان به بهانه حذف نظامیان و دانشمندان هسته‌ای، یک اقدام ضدبشری و غیرانسانی است. مگر بغض‌ها و اشک‌ها رهایش می‌کنند؛ بغض‌ها و اشک‌هایی که شاید تنها مردم خرم‌چهره‌ایش باشد. وقتی از علیرضا درخصوص آخرین خاطره‌اش با خانواده پرسیدند، یک اه عمیق و دردناکی کشید و گفت: شب قبل از این جنایت موشکی، پیش پدر و مادرم بودیم و همه در این‌جا جمع بودند؛ دقیقاً همین جایی که اکنون به خاکستر تبدیل شده. آن شب صحبت‌های زیادی رو و بدل شد. وی در حالی که بغض امانش را بریده بود، با صدای لرزان خاطرنشان کرد: محیا در حالی که سن کم داشت، اما ذوق هنری و استعداد فراوانی در درسش داشت و علاقه‌اش به شعر سبب شده بود که همیشه برای من شعر حفظ می‌کرد و می‌خواند و من هم برای تشویقش جایزه می‌گرفتم. شب ماقبل آن اتفاق لعنتی، در حالی که لباس گلبهی پوشیده بود، به کنارم آمد و برایم شعر خواند. وقتی پرسیدیم چه جایزای برای من بگیرم، گفت: عموچونم، برای من لاک گلبهی بخر. همچنین سیدعلیرضا صدیقی صابر شامگاه دوشنبه ۹ تیر در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار ایرنا در حاشیه مراسم تشییع شهدا در آستانه اشرفی‌زاده، شهرداری و دیگر شهدای علمی، پرچم علم و تخصص را در کشور بالا نگه دارند. آمریکا و اسرائیل بدانند که این دانش، گسترده‌تر خواهد شد و نه‌تنها متوقف نمی‌شود، بلکه ریشه‌دارتر خواهد گشت.

ترامپ و نتانیاهو، دروغگوینا بزرگ قرن

سید علیرضا صدیقی صابر مهمان نشست خبری سخنگوی وزارت امور خارجه در ۳۰ تیر بود و در جمع خبرنگاران صحبت کرد.

برادر شهید محمدرضا صدیقی صابر در این نشست گفت:

«رژیم صهیونیستی، ۱۵ نفر از خانواده و عزیزان من را در یک لحظه به شهادت رساند و من آخرین بازمانده از یک خانواده بزرگ هستم. برادر من یک فعال علمی و استاد برجسته دانشگاه در رشته مکانیک بود. برادرزاده من که در روز اول حملات به شهادت رسید، یک دانش‌آموز نخبه ریاضی بود و من قطعات پیکرهای اعضای خانواده‌ام را جمع‌آوری کردم؛ فقط به جرم این که خانواده من در تلاش برای توسعه و سربلندی ایران بود.»

وی در ادامه تصویر دسته جمعی ۱۵ شهید آستانه اشرفیه را نشان می‌دهد و یکی یکی اعضای شهید خانواده صدیقی صابر را نام می‌برد و سن‌شان را می‌گوید و وقتی به بچه‌ها می‌رسد، عروسک‌ها و دفترچه کوچک خاطرات و کیف مدرسه را نشان می‌دهد و عکس‌های تکی نیز از شهدا ارائه می‌نماید و بعد خاطرنشان می‌سازد:

«رژیم صهیونیسی با بی‌رحمی تمام دو بار به منزل برادر من و منزل پدر همسرش حمله کرد... مردم، هدف رژیم صهیونیستی تنها دانشمندان و محققان نیست، هدف آن، مردم ایران است و هر کس‌ی که برای عزت و استقلال ایران تلاش می‌کند. من این واقعیت را فقط نشنیده‌ام، آن را از نزدیک و به قیمت خون همه خانواده‌ام لمس کرده‌ام. همان رژیمی که در اولین روزهای حمله‌اش به نام میهن، خط اوله آب در شمال تهران را هدف گرفت تا مردم ایران را از زندگی محروم کند. مطالبه جدی من به عنوان خانواده شهید این است که وزارت امور خارجه با قدرت حق ما و ملت ما آراا در مجامع بین‌المللی احقاق کند و اجازه ندهد خون این شهیدان پایمال شود. باید در این‌جا با صدای بلند به رسانه‌ها اعلام کنم که ترامپ و نتانیاهو به شما دروغ گفته‌اند، کدام یک از این شهدا فعالیت هسته‌ای داشتند.

ساخت سلاح هسته‌ای یک دروغ بسیار بزرگ بود که ترامپ و نتانیاهو با توسل به آن می‌خواستند با اراده ملت ایران که خواهان استقلال و پیشرفت و توسعه است، بجنگند. ترامپ و نتانیاهو دروغگوینا بزرگ قرن حاضر هستند و رسانه‌ها با تعهد به راست‌گویی باید این حقیقت آشکار را به کل جهانیان بخانه کنند و تکلیف و مسئولیت همه مدیران مسئول و نظامیان آوا همه مردم ایران در جهت احقاق خون این شهدا و همه شهدای اسلامی ایران بخواهیم اقدام عملی و راهبردی داشته باشید تا هیچ دشمن و قدرتی قصد تعرض به خاک پاک میهن و مردم شریفمان را در ذهن خود پرورش ندهد.»

ایران عاشورایی

خبرگزاری دفاع مقدس در ۱۹ تیر ۱۴۰۴ گزارشی مفصل با عنوان «روایت خبرنگار دفاع‌پرس از مقتل شهید هسته‌ای در آستانه اشرفیه» را منتشر کرد که گزیده‌ای از آن چنین است: «به مقتل شهادت شهدا در آستانه اشرفیه رسیدیم. وارد مقتل و خانه شهدای صدیقی که

همه باهم فاتحه خواندیم و با دکتر هسته‌ای ایران که خار چشم دشمنان اسلام بود، عهد و پیمان بستیم تا آخرین قطره خون‌مان از خون پاک‌شان دفاع خواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد که آثاری از رژیم اسرائیل غاصب بر روی زمین بماند و آن‌شاه‌الله به زودی شاهد نابودی این رژیم جعلی خواهیم بود. همه با هم عهد بستیم که حافظه ایران امام حسینی باشیم و رسالت زینبی داشته باشیم.

بعد از عکسبرداری از ویلچر مادر خانم شهید صدیقی که به عنوان سند جنایت در کنار مرزاشان قرار گرفته، به اتفاق دکتر دهه نودی و فرزند هزار و چهارصدام عکس‌های به‌یادگار گرفتیم تا حرم شهدا و آقا سید جلال‌الدین اشرف خوابید و دختر ۱۰ ساله‌ام گوشه‌ی‌اش را روشن کرد و این مداحی جان محمود کریمی را که در شب عاشورا به در خواست‌نامه خنهای در حسینه امام خمینی(ره) خوانده بود، در ماشین پخش کرد و همه با هم زیر لب می‌خواندیم:

ای میهن خدایی، صحن امام رضایی ایران ذوالفقار و ایران عاشورایی می‌مانی ای وطن... در روح و جان من، می‌مانی ای وطن...
سیدیم، اه آن نهاد تک تک ما بلند شد. مات و میوهوت بودیم. از خانه‌ای که در فیلم و دو روز قبل از حادثه تروریستی دیده بودیم، جز مشتی گل و خاک و چند برگ کاغذ و کتاب و میل و پشته دیواری و لحاف و گل‌سر و کش مو دخترانه و نگاتیو عکس ... چیزی دیده نمی‌شد. چهار خانه‌ای که در کنار هم به طرز عجیبی نیست و نابود شده بود و چندین خانه و ماشین به طرز فجیعی تخریب شده بود و بنری از تصاویر شهید دانشمند هسته‌ای و ۱۱ نفر از اعضای خانواده و ۴ نفر از همسایگان دور تا دور اطراف را پوشانده بود. دشمنم زبون و نسل‌کش صهیونیستی به یکباره در بامداد سوم تیرماه ۱۴۰۴ تنها چند

یک شهید. یک خاطره

چه کسی ما را به جان هم انداخت؟

مریم قربانیان

علیرضا همیشه دنبال این بود که بفهمد مسئول اصلی جنگ بین ایران و عراق کیست. یادم می‌آید روزی برایم تعریف می‌کرد: «در یکی از عملیات‌ها تعدادی اسیر گرفته بودیم. وقتی به سمت پشت جبهه برمی‌گشتیم، در راه با یکی از هم‌سرا صحبت کردم. او به من گفت: «ای ایرانی، می‌دانی با شنیدن این جمله، هر دویمان شروع به گریه کردیم. بعد از لحظاتی، همدل و هم‌عقیده گفتمیم: «معلوم نیست چه داستانی ما را به جان هم انداخته‌اند و به جان هم مشغول کرده‌اند، که مبادا در برابر ستمگران و متجاوزانی مثل اسرائیل غاصب بایستیم و با آنها مبارزه کنیم.»

خاطره‌ای از شهید علیرضا عاصمی راوی: خواهر شهید

